

جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر

آنوسا مدیری*

طرح مساله: هدف مقاله بررسی رابطه میان جرم، خشونت و احساس امنیت در فضای شهری است. فرضیه پژوهش بر مبنای نظریات جکوبز (Jacobs) و زوکین (Zukin) به این صورت تنظیم شده است: جرم و خشونت در کاهش احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر موثرند و نقش خشونت قوی‌تر از جرم است.

روش: روش پژوهش مبتنی بر آزمون نظریه است و روش آزمون فرضیه مبتنی بر تحلیل سنجش تراکم نقطه ای شاخص ها و مجذور خی (χ^2) در جدول توافقی است. نمونه‌های پژوهش از ۱۴ فضای شهری که سرخوشه‌های نمونه‌گیری را شکل می‌دهند، به روش تصادفی جمع‌آوری شده‌اند.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جرم بیش از خشونت می‌تواند مانع حضور مردم در فضای شهری و کاهش احساس امنیت گردد. همچنین احساس امنیت رابطه قوی با جرم و خشونت نشان نمی‌دهد.

نتایج: نتایج پژوهش از نظریه‌ی جکوبز حمایت نمی‌کند و نشان می‌دهد که نقش جرم در کاهش احساس امنیت بیش از خشونت است.

کلید واژه‌ها: امنیت، جرم، خشونت، دسترسی پذیری نمادین، فضای عمومی شهر

تاریخ پذیرش: ۱۵/۹/۳

تاریخ دریافت: ۱۵/۲/۱۱

مقدمه

فضای عمومی شهر، صحنه نمایش زندگی روزمره مردم است و در تقابل با فضای زندگی خصوصی تعریف می‌شود. اهمیت فضای عمومی به دلیل نقشی است که در توسعه جامعه دموکراتیک بازی می‌کند؛ به عبارتی چنانچه دسترسی برابر به عرصه عمومی برای همه جامعه فراهم شود، تهدید تمایز و جدایی اجتماعی کاهش می‌یابد و تنوع فرهنگی شکل یافته، می‌تواند فضای عمومی را تبدیل به مکانی نماید که افراد و گروه‌های مختلف بتوانند در اجرای قوانین خود گزیده، مشارکت کنند. لذا اولین گام برای دستیابی به عرصه عمومی که ضامن تحقق جامعه مدنی است، تشویق مردم به حضور در فضای عمومی و یا فراهم نمودن دسترسی برابر همه افراد و گروه‌ها به آن است. یکی از مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده حضور مردم، ترس از بزه‌دیده واقع شدن و یا مورد تعرض رفتارهای غیرمدنی و خشونت واقع شدن است. در این راستا هدف مقاله، تبیین رابطه میان جرم، رفتارهای غیرمدنی و احساس امنیت در فضای شهری است و پرسش اصلی مقاله چنین تنظیم می‌شود: «آیا احساس عدم امنیت با امکان وقوع جرم و یا رفتارهای مدنی در ارتباط است؟» مقاله طبق روال پژوهش آزمون نظریه، نخست به بیان نظریه‌های معتبر پرداخته و سپس در راستای نظریه‌های گفته شده، فرضیه اصلی پژوهش را تدوین می‌نماید و در نهایت به روش کمی و با استفاده از آزمون‌های آماری به رد یا قبول فرضیه می‌پردازد. نتیجه‌گیری نشان می‌دهد که نتایج حاصل از این پژوهش از کدام یک از نظریات گفته شده حمایت می‌کند و از این طریق کمک خود را به توسعه بدنه دانش می‌نماید.

۱) طرح مساله

فرهنگ عامه هویتی است که در سطح خرد و به شیوه‌ای اجتماعی بنیاد یافته و حاصل رویارویی‌های است که به زندگی روزانه ما در خیابان‌ها، فروشگاه‌ها، پارک‌ها یا همان فضاهایی که زندگی عمومی خود را در آن‌ها تجربه می‌کنیم، شکل می‌دهد. به عقیده زوکین، بارزترین تهدید برای فرهنگ عمومی نگرانی‌ها و ترس‌های ناشی از تهدیدات و

هرج و مرج‌های نظیر ضرب و شتم، شورش‌های ناگهانی، جنایات نفرت انگیز و نظایر این‌ها است که حضور در فضای عمومی شهر را دچار تهدید می‌کند. مردم در فضاهای شهری با انواع تهدیدها مانند جرم، تروریسم، آلودگی هوا و آب، زلزله و سیل، تداخل حرکت وسایل نقلیه و پیاده‌ها روبرویند. کشورهای پیشرفته گرچه توانسته‌اند بسیاری از تهدیدهای طبیعی را کنترل کنند، ولی کنترل تهدیدهای انسانی در این کشورها رو به افزایش است. از این رو زوکین در کتاب **فرهنگ شهرها** می‌گوید: «فضاهای شهری به اندازه کافی برای مردم امن نیستند، تا آن‌ها در خلق فرهنگ عمومی مشارکت داشته باشند» (Zukin, 1995:38). ماحصل این امر، وضع مجازات‌های شدیدتر در رابطه با جرایم شهری و یا خصوصی‌سازی و نظامی‌گری در فضاهای عمومی شهر است که نتیجه هر سه حالت فوق از بین رفتن عرصه عمومی است.

عرصه عمومی مطابق با نظریات هابرماس (Habermas, 1984;1989) و آرتنت (Ardent, 1958) نظریه‌پردازان آن، با مفهوم دسترسی‌پذیری بی‌قید و شرط برای همگان تعریف می‌شود و موضوعی است که در این پژوهش اثرات مخرب جرم و خشونت بر آن بررسی می‌گردد. اگر چه هنگام تعریف عرصه عمومی آن را دسترسی‌پذیر برای همه تعریف می‌کنیم، ولیکن برخی از محیط‌ها به صورت تعمدی و یا غیرتعمدی دسترسی‌پذیری کمتری برای بخشی از جامعه دارند. محدودیت در دسترسی اغلب به صورت نمایش قدرت از طریق کنترل فضا و دست یافتن به آن نشان داده می‌شود که چه از سوی بزه کاران باشد و چه از سوی کسانی که می‌خواهند فضا را کنترل کنند تا احساس امنیت بیشتری بیابند، نتیجه یکسان است و آن از بین رفتن دسترسی بی‌قید و شرط به فضای عمومی است که نامش نیز بیانگر تعلق آن به عموم و همگان است. ترس از بزه‌دیده واقع شدن یکی از مهم‌ترین عوامل خلق فضای شهری امروز است. الین می‌گوید: «اگر مردم فضایی را به دلیل عدم راحتی یا ترس استفاده نکنند، عرصه عمومی از بین رفته است» (Ellin, 1997). لذا آن‌چه این مقاله بدان می‌پردازد، تاثیر جرم و خشونت به عنوان یکی از موانع حضور مردم در فضای شهری در نتیجه احساس عدم امنیت است.

۲) بیان مفاهیم و چهارچوب نظری

دسترسی پذیری: کار (Carr, 1992:138) سه‌گونه دسترسی پذیری را به شکل زیر توضیح می‌دهد:

الف) دسترسی پذیری کالبدی: چنانچه انسان بتواند وارد فضایی شود، آن فضا واجد دسترسی پذیری کالبدی دانسته می‌شود، فارغ از این که بتواند درون آن را ببیند یا نه.

ب) دسترسی پذیری بصری: هنگامی حاصل می‌شود که مردم بتوانند فضا را پیش از آن که بدان وارد شوند ببینند، در مورد راحتی، جذاب بودن فضا و ایمنی آن قضاوت کنند.

ج) دسترسی پذیری نمادین: نمادها می‌توانند محرک یا غیرمحرک باشند و فرد را برای ورود به فضایی ترغیب یا تهدید کنند. برای مثال، حضور افراد با ظواهر مختلف می‌تواند جذاب و یا دفع‌کننده باشد. این مورد از دسترسی‌پذیری به صورت مستقیم با احساس امنیت و ترس از مورد خشونت قرار گرفتن در ارتباط است.

امنیت: مفهوم امنیت باز می‌گردد به دفاع یا حفاظت از خود، خانواده، دوستان و اموال. مفهوم امنیت در فضای شهری از یک سو با جرم ارتباط پیدا می‌کند، اگر چه از آن بسیار متفاوت است و از سوی دیگر با مفهوم بزه‌دیده و ترس از بزه‌دیده واقع شدن. از سوی دیگر می‌بایست میان ترس و خطر، یا احساس امنیت کردن و در امان بودن تفاوت قائل شد. از نظر علمی درک اثرات جرم، یعنی ترس از وقوع جرم به اندازه خود آن، یعنی خطرهای آماری حاصل از وقوع جرم اهمیت دارد. واکنش نسبت به ترس از قربانی شدن، باعث می‌شود که بسیاری از مردم، از خطرات دوری کنند یا حداقل میزان در معرض خطر قرار گرفتن شان را کاهش دهند، که این خود می‌تواند منجر به عدم حضور مردم نه تنها در یک مکان خاص بلکه در بیشتر فضاهای عمومی شود (Carmona, 2003: 119-120).

خشونت: تفاوت اساسی میان رفتارهای غیرمدنی^۱ و جرم وجود دارد؛ چرا که جرم در نتیجه نقض قانون اتفاق می‌افتد و مطابق قانون، هیچ امری را نمی‌توان جرم دانست مگر آن که به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی تعیین شده باشد (نوربها:

1. Incivility

۱۳۸:۱۳۸۴). خشونت در ادبیات علوم اجتماعی و حقوقی معانی متفاوتی دارد؛ چنانچه فکوهی خشونت را اعمال یک نیروی فیزیکی بر یک شی یا فرد یا گروه اجتماعی تعریف می‌کند (فکوهی، ۲۷۶:۱۳۸۳) و گزارش کمیته تحقیق در امر خشونت و بزهکاری به سرپرستی آلن پرفیت مفهومی از خشونت را مد نظر قرار داده که «هرگونه حمله غیرقانونی به آزادی‌هایی که جامعه رسماً یا ضمناً برای افراد خود قائل گردیده است را دربرمی‌گیرد» (پرفیت، ۱۳۷۸: ۲۹)، اعزازی ضمن اشاره به تحول مفهومی خشونت، چهار نوع خشونت تعریف می‌کند: خشونت بدنی، خشونت روانی مانند تحقیر و دشنام، خشونت اقتصادی و خشونت اجتماعی (اعزازی، ۱۳۸۳: ۹۶-۱۲۰). مفهومی از خشونت که در این مقاله مد نظر بوده، نوعی از خشونت است که در فضاهای شهری رخ می‌دهد و رفتارهای غیرمدنی یا بی‌نزاکتی‌های عمومی را دربرمی‌گیرد این رفتارها (مانند رفتار جوانان بی‌ادب یا رفتار متکدیان) گرچه به لحاظ قانونی جرم محسوب نمی‌شود، اما راحتی حضور مردم در فضاهای عمومی را از بین می‌برد.

پس از بیان مفاهیم اصلی، به چهار نظریه که به بیان رابطه میان احساس امنیت و حضور در فضای شهری می‌پردازد اشاره می‌کنیم.

جین جکوبز بیان می‌کند که آرامش فضای شهری ابتدا بوسیله پلیس تامین نمی‌شود ولی با حضور پلیس ضروری می‌شود. آرامش فضای شهری، ابتدا به وسیله شبکه ناخودآگاه و پیچیده اجتماعی و استانداردهای موجود میان مردم حفظ می‌شود. او در مورد خود - انتظامی^۱ بودن یک خیابان چنین توضیح می‌دهد: «می‌بایست چشم‌هایی همواره خیابان را بنگرند، چشم‌های کسانی که ما آن‌ها را مالکین طبیعی و حقیقی خیابان می‌نامیم و ... پیاده‌روهای خیابان می‌بایست به صورت مداوم مورد استفاده قرار گیرد، تا بر نگاه‌های موثر بر خیابان افزوده گردد و به مردم ساکن در خیابان، نگرستن به خیابان آموزش داده شود. بنابراین وی بر نظارت فعال و ضرورت تعریف عرصه‌های عمومی و خصوصی تاکید می‌کند. بدین ترتیب با استفاده از مشارکت عمومی می‌توان از وقوع درام بربریت

1. Self-Regulating

ممانعت کرد، ولی این امر نباید مانع عبور غریبه‌ها از فضا گردد» (Jacobs, 1965:45). جاکوبز آوردن مردم به خیابان‌ها را به رقصی تشبیه می‌کند که موجب سرزندگی و پویایی خیابان می‌شود. او می‌گوید: «می‌توان آن را شکلی از هنر نامیده و به رقص تشبیه کرد - نه رقصی پر جنب و جوش اما توخالی و ... بلکه همچون باله‌ای تکامل یافته، که در آن هر رقصنده و مابقی گروه قسمت‌های مشخصی از اجرا را بر عهده می‌گیرند. اجرای هر قسمت موجب تقویت قسمت دیگر شده و در کل ایجاد یک ترکیب کامل می‌کند» (Jacobs, 1965). به عقیده جاکوبز بیشتر رفتارهایی که موجب خشم، ترس و ناراحتی مردم در فضاهای شهری می‌شود و مردم را از استفاده از فضاهای عمومی منصرف می‌کند، به لحاظ قانونی جرم نیستند و می‌توان آن‌ها را رفتارهای غیرمدنی و یا آن گونه که جاکوبز می‌گوید «بربریت خیابانی»^۱ نامید (Jacobs, 1965:39).

اسکار نیومن (Newman) برخی از عقاید جاکوبز را توسعه داده و بر نظارت فعالانه و تعریف عرصه‌ها تاکید کرده است. بر اساس مطالعه مکان وقوع جرم در طرح‌های مسکونی نیویورک، نیومن در کتاب مردم و طراحی در شهر پر خشونت، نظریه فضای قابل دفاع را مطرح می‌کند و پیشنهاد تغییر ساختار محیط شهری را به گونه‌ای می‌دهد که جامعه نه توسط پلیس، بلکه توسط افرادی که در عرصه‌هایی خاص سهم‌اند تعریف گردد. نیومن سه فاکتور افزایش جرم در محله‌های مسکونی را چنین بر می‌شمرد:

- بیگانگی: مردم همسایگان شان را نمی‌شناسند؛
- عدم وجود نظارت: مکان‌های وقوع جرم، ارتکاب جرم را به راحتی بدون آن که مجرم دیده شود ممکن می‌کند؛
- دسترس بودن راه فرار: امکان ناپدید شدن مجرم از صحنه جرم را به سرعت ممکن می‌کند؛

لذا نیومن معتقد است که با استفاده از سازوکارهای نمادین شکل دادن عرصه‌های تعریف شده، می‌توان یک محیط را تحت کنترل ساکنانش قرار داد (Newman, 1973).

1. Street Barbarism

نظریه دیگری که در این جا مورد بررسی قرار می‌گیرد، مربوط به **موسسه پیش‌گیری از جرم**^۱ به وسیله طراحی محیطی است. این رویکرد که به رویکرد نیومن بسیار نزدیک است. محیط فیزیکی را به گونه‌ای سازمان‌دهی می‌نماید که وقوع جرم و ترس را به وسیله کاهش حمایت از رفتارهای مجرمانه کاهش می‌دهد. به عبارتی ایجاد محیط ایمن به وسیله طراحی با عملکرد پلیس هماهنگ می‌شود. در این رویکرد سیستمی سلسله مراتبی از فضاهای به هم پیوسته و کوچه‌های بن‌بست که در واقع راه فرار را بر مجرمان می‌بندد، به کار گرفته می‌شود. به این ترتیب، در عین حال که دسترسی عمومی را ممکن می‌کند، از تمایل غریبه‌ها به حضور در فضا می‌کاهد و به نوعی مانند محدوده‌های بسته عمل می‌کند.

هیلر از رویکرد دفاعی فوق‌انتقاد می‌کند، به دلیل این که مانع حرکت طبیعی مردم می‌شود و برای غریبه‌ها چه صلح‌آمیز و چه خصم‌آمیز محدودیت دسترسی قائل می‌شود. هیلر معتقد است حضور - مردم چه غریبه و چه آشنا - احساس ایمنی را در فضای عمومی ارتقاء داده و وسیله‌ای است که به کمک آن می‌توان فضا را به صورت طبیعی مورد نظارت قرار داد. لذا وی به دنبال خصوصیات شکلی فضا است که حضور مردم و به تبع آن احساس امنیت را افزایش می‌دهد (Hiller, 1996:47-60).

1. CPTED, Crime Prevention Through Environment Design

جدول ۱: چهار نظریه مطروح در رابطه با جرم و خشونت در فضای شهری

فعالیت	نظارت	کنترل فضا/حاکمیت	
فعالیت‌های همجوار خیابان می‌بایست رهروان پیوسته‌ای را فراهم کند، تا بحث نظارت تقویت گردد.	نیاز به چشم‌هایی نظاره‌گر از سوی صاحبان طبیعی، هم ساکنان و هم استفاده‌کنندگان که می‌توانند با استفاده از تنوع فعالیت‌ها و عملکردهایی که مردم را جذب می‌کند تقویت گردد.	متمایز کردن آشکار عرصه عمومی و خصوصی	جین جاکوبز
مخالف این نظریه است که حضور فعالیت‌های بیشتر و بالاخص حضور فعالیت‌های تجاری میزان جرم و جنایت را کاهش می‌دهد.	ایجاد ظرفیت کالبدی - نظارتی در فضا تا فرصت نظارت برای ساکنان و دیگر نهادها ممکن گردد.	محیط کالبدی می‌بایست دارای خصوصیتی مانند مکانیزم‌های نمادین، مرزها و سلسله مراتبی تعریف شده از عرصه‌های خصوصی تا عمومی باشد تا پهنه‌های مختلف درک و دانسته شود.	اسکار نیومن
بر کاهش فعالیت از طریق حرکت و در نتیجه، کاهش سطح فعالیت تاکید دارد.	نظارت طبیعی به عنوان نتیجه معمولی استفاده از مابملک	کنترل دسترسی‌های طبیعی با هدف کاهش فرصت دسترسی به هدف جنایت؛ استفاده از محصوریت‌های کالبدی که موجب افزایش قوت قلب و حس مالکیت ساکنین می‌گردد.	موسسه پیشگیری از جرم (CPTED)
از طریق یکپارچه سازی فضا و مسیرهای حرکتی می‌توان فضاهای به هم پیوسته ای را تعریف کرد که ایمن به نظر می‌رسند.	نظارت از طریق مردمی که در فضا حرکت می‌کنند، تامین می‌گردد.	فضاهایی که با سایر فضاها یکپارچه شده‌اند، پیاده‌ها را تشویق به حرکت و تماشا در آن فضاها می‌کنند.	بیل هیلر

ماخذ: (Carmona,2003:121)

دو نظریه مربوط به نیومن و موسسه پیشگیری از جرم، نقش جرم را در کاهش احساس امنیت مسلم فرض کرده و به جستجوی راهکارهایی در جهت کاهش جرم می‌باشند، در حالی که جکوبز و هیلر در کنار ارائه راهکارهای کاهش جرم، در جستجوی راهکارهای افزایش احساس امنیت هستند و همچنین گزینه‌های دیگری همچون خشونت را به عنوان عامل موثر در کاهش امنیت معرفی می‌کنند.

جمع‌بندی چهار نظریه فوق در جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که تعریف مشخص عرصه‌های عمومی و خصوصی، نظارت فعال مردمی که در نتیجه انسجام و همبستگی افراد متعلق به محدوده‌های جغرافیایی مشخص به وجود می‌آید و حضور تعداد مشخصی از مردم در فضای شهری در کنار ویژگی‌های کالبدی فضا می‌تواند در ارتقا احساس امنیت و افزایش دسترسی‌پذیری نمادین نقش داشته باشد. در این راستا سه پرسش مطرح می‌شود که هدف مقاله، پاسخ به یک مورد از آنها است:

الف) مردم در کدام یک از فضاهای مورد مطالعه احساس امنیت بالاتری دارند و آیا ویژگی‌های کالبدی این فضاها با نظریات گفته شده مطابقت دارد یا خیر؟
ب) احساس عدم امنیت و دسترسی‌پذیری نمادین با جرم بیشتر در ارتباط است یا خشونت؟

ج) آیا ترس از وقوع جرم با میزان وقوع آن در ارتباط است؟ این نسبت چگونه است؟
در پاسخ به سه پرسش فوق، شناسایی فضاها صورت می‌گیرد و فرضیه‌ای منتج از نظریه جکوبز در رابطه با پرسش دوم که موضوع اصلی مقاله است به صورت زیر تعریف می‌گردد:

فرضیه: خشونت بیش از جرم در کاهش دسترسی‌پذیری نمادین و احساس امنیت نقش دارد.

۳) روش تحقیق

۳-۱) شاخص‌ها، روایی و پایایی ابزار

شاخص‌ها یا ابزارهای اندازه‌گیری فرضیه را احساس امنیت، امکان وقوع جرم یا خشونت از دیدگاه مردم و دسترسی‌پذیری نمادین شکل می‌دهد، که شاخص اول در سطح ترتیبی و سایر شاخص‌ها در سطح اسمی اندازه‌گیری شده‌اند. مواردی از جرم و خشونت مورد پرسش قرار گرفته که از بیشترین فراوانی وقوع در فضای شهری برخوردار است و شامل دزدی، استعمال مواد مخدر و یا حضور افراد معتاد، فروشندگان مواد مخدر، جوانان بی‌ادب و مزاحم، زیاله‌سازها و ویران‌گران^۱ محیط شهری و زنان خیابانی می‌شود.

روایی محتوا با توجه به نوع پژوهش که آزمون فرضیه است و انتخاب شاخص‌ها بر مبنای نظریات مدون آشکار است؛ ولی برای سنجش روایی سازه یا ساختار، محاسبه ضریب همبستگی بین دو مجموعه از شاخص‌ها صورت گرفته است. همچنین پایایی با استفاده از روش تقسیم به دو نیمه و محاسبه ضریب آلفای کرونباخ انجام شده که برای شاخص‌های فوق ۰/۵ محاسبه شده است.

۳-۲) جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

محدوده مورد مطالعه را ۱۴ فضای شهری مناطق ۱۱ و ۱۲ شهرداری شهر تهران شکل می‌دهد، که به صورت نمونه‌های هدف‌مند و به عنوان سرخوشه‌ها انتخاب شده‌اند و در داخل خوشه‌ها نمونه‌گیری تصادفی انجام شده است. داده‌های مورد نیاز آزمون فرضیه با استفاده از پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است، که در جهت کاهش خطای استاندارد مطابق، $N=3.84Pq \frac{3.84pq}{e^2}$ پرسش‌نامه از ۱۴ فضای شهری که در نقشه‌ها مشخص شده‌اند، جمع‌آوری شده است. از آن جایی که توزیع نمونه‌گیری نرمال علاوه بر حجم نمونه به نسبت p به q نیز بستگی دارد، لذا نسبت جزئی جمعیت به نسبت 60 به 40 و با

محاسبه $e =$ حداکثر خطای قابل قبول در سطح اطمینان ۹۵ درصد، با در نظر گرفتن نصف عرض فاصله اطمینان به مقدار $0/05$ نتیجه محاسبه به شرح زیر حاصل می شود:

$$N = \frac{3.84 \times 0.4 \times 0.6}{0.0025} = 368$$

سه ویژگی رده سنی، جنسیت و شغل جامعه آماری به شرح زیر می باشد: مردان با فراوانی ۲۷۲ مورد، در اکثریت نسبت به زنان با ۹۲ مورد قرار گرفته اند. همچنین جوانان با فراوانی ۱۷۶ مورد در رتبه اول قرار دارند که پس از آن میانسالان با فراوانی ۱۲۵ مورد، کهن سالان ۳۶ مورد، نوجوانان ۲۰ مورد و کودکان ۵ مورد قرار دارند. در مورد شغل، افراد با شغل های خدماتی با فراوانی ۲۱۸ مورد در رتبه اول، شغل های تخصصی با فراوانی ۱۰۹ مورد و افراد بیکار با فراوانی ۳۶ مورد در رتبه سوم قرار گرفته اند.

۳-۳) آزمون فرضیه

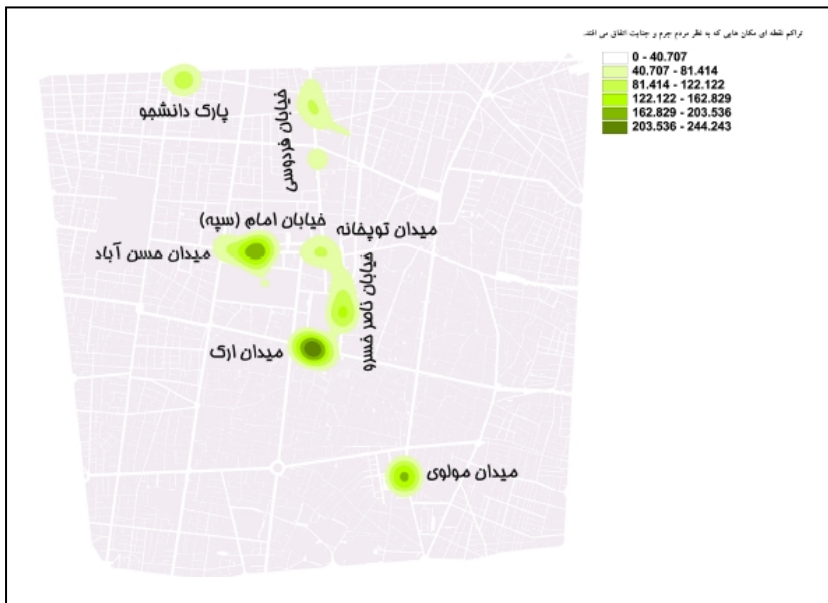
برای انجام آزمون فرضیه، به دو روش عمل شده است؛ نخست پراکنش فضایی شاخص های دسترسی پذیری نمادین، جرم، خشونت و احساس امنیت تهیه شده و به صورت بانک اطلاعاتی تنظیم می شود. سپس با استفاده از تحلیل سنجش تراکم نقطه ای و بر اساس $\lambda_p = \frac{no.[S \in C(p,r)]}{\pi r^2}$ سطوح هم ارزش به لحاظ تراکم نقطه ای برای چهار متغیر جرم، خشونت، احساس امنیت و عدم دسترسی پذیری نمادین محاسبه می گردد. با استفاده از منطق بولین پهنه های به دست آمده از تحلیل تراکم نقطه ای که در یک مقیاس نیز تنظیم شده اند، دو به دو با یکدیگر تلفیق می شوند. در روش دوم، با تشکیل جدول توافقی میان دسترسی پذیری نمادین و انواع جرم و خشونت خیابانی، همچنین احساس امنیت و انواع جرم و خشونت به محاسبه مجذور χ^2 و تحلیل برابری یا عدم برابری فراوانی در دو دسته جرم و خشونت خیابانی پرداخته می شود. همزمان با استفاده از آماره های ضریب توافق، ضریب فا و V کرامر همبستگی مابین سطر و ستون های جدول توافقی بررسی می شود.

۴) یافته‌ها

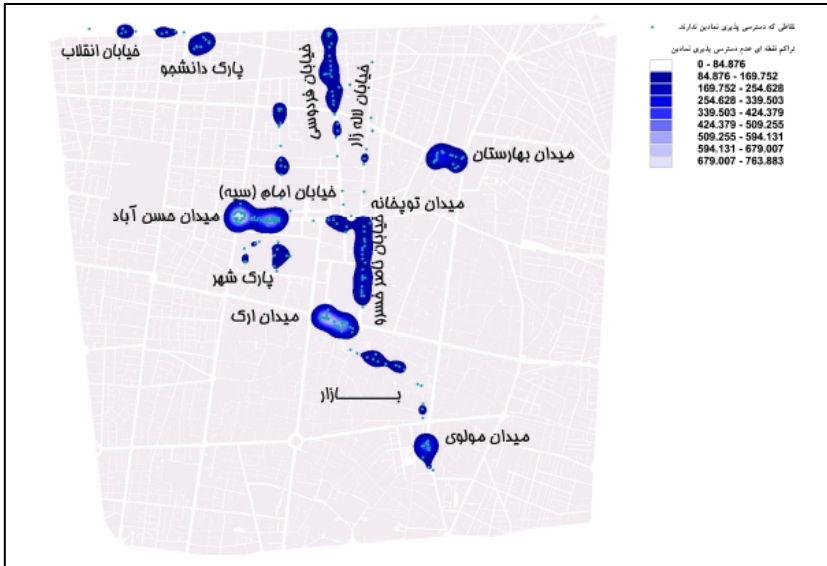
الف) تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که، به طور کلی ۱۵/۷ درصد مردم در پاسخ با احتمال مواجهه با جرم یا خشونت، به جرم و ۱۹/۶ درصد به خشونت خیابانی اشاره نموده‌اند. ولی بالاترین فراوانی پاسخ به هر دو با مقدار ۲۱/۳ درصد است.

ب) پراکنش فضایی عدم دسترسی‌پذیری نمادین نشان می‌دهد که میدان حسن‌آباد و سبزه میدان از تراکم بالاتری نسبت به سایر فضاهای برخوردارند؛ به عبارتی موانع نمادین مانند جرم یا خشونت بیش از فضاهای دیگر مانع دسترسی‌پذیری دانسته شده‌اند. همچنین پراکنش فضایی جرم نشان می‌دهد که خیابان سپه در نزدیکی حسن‌آباد و سبزه میدان و میدان مولوی از تراکم بالاتری نسبت به سایر فضاها برخوردار است، در حالی که پراکنش فضایی خشونت بیشترین تراکم را در پارک دانشجو نشان می‌دهد.

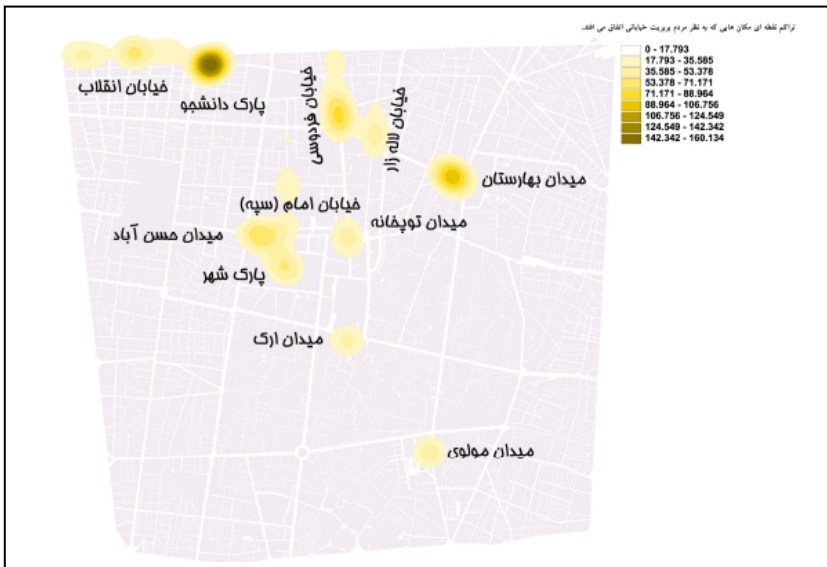
نقشه ۱: پراکنش فضایی مکان‌هایی که مردم به رخداد جرم بیش از خشونت اشاره کرده‌اند



نقشه ۲: پراکنش فضایی عدم دسترسی پذیری نمادین



نقشه ۳: پراکنش فضایی مکان‌هایی که مردم به رخداد خشونت بیش از جرم اشاره کرده‌اند



ج) نتایج تلفیق دو به دو و استخراج نقاط هم پوشان نشان می‌دهد که لایه جرم و عدم دسترسی پذیری نمادین ۹۲/۱۶ هکتار سطح مشترک دارد، در حالی که لایه خشونت و عدم دسترسی پذیری نمادین ۵۶/۲۴ هکتار سطح مشترک برخوردارند؛ لذا سطوح معنی‌دار دسترسی پذیری نمادین در مجموع ۱۸۳ هکتار است که در واقع نشان می‌دهد که جرم در حدود ۵۰ درصد و خشونت در حدود ۳۰ درصد با دسترسی پذیری نمادین وجه اشتراک دارد.

د) مجموع مواردی که به جرم پاسخ مثبت داده‌اند، چه به صورت مطلق و چه در مواردی که غلبه با جرم بوده، از فراوانی بالاتری نسبت به خشونت به صورت مطلق و در ترکیب با جرم برخوردار است. به عبارتی مجموع درصد فراوانی جرم ۳۲/۸ درصد است، در حالی که مجموع درصد فراوانی خشونت ۲۱/۳ درصد است.

ه) جدول توافقی تشکیل شده بین انواع جرم و خشونت و دسترسی پذیری و آزمون مجذور χ^2 نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان سطوح مختلف جدول وجود دارد. همچنین آماره های ضریب توافق، ضریب فی و V کرامر نشان می‌دهد که همبستگی مابین سطر و ستون‌های جدول توافقی، یا به عبارتی مابین دسترسی پذیری و انواع جرم و خشونت خیابانی، در سطح بالایی با ضریب فی ۰/۵۷ وجود دارد.

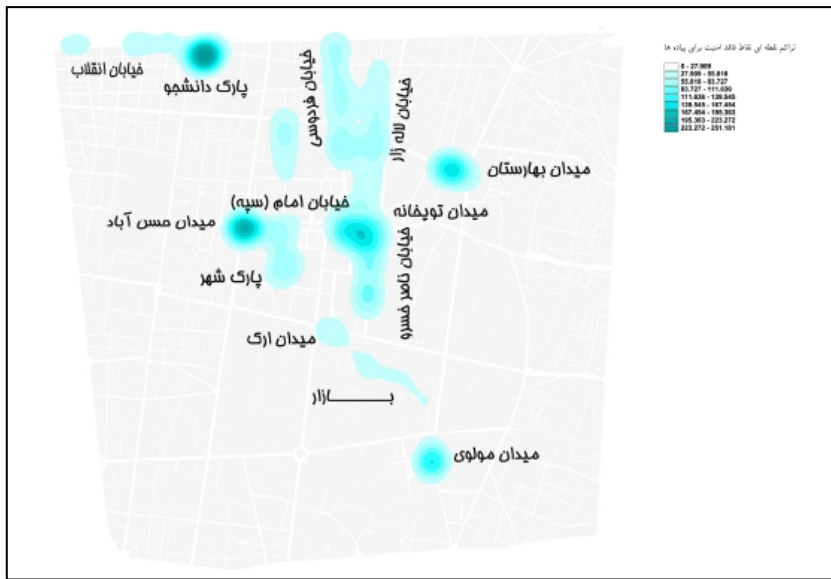
و) بررسی‌ها نشان می‌دهد که ۵۰ درصد جامعه آماری از پیاده راه رفتن در فضا احساس امنیت می‌کنند و به طور کلی فضا را برای پیاده راه رفتن امن می‌دانند. در مقابل ۲۸/۵ درصد معتقد هستند که فضا به طور کلی برای پیاده‌ها امن نیست. در پاسخ به پرسش استفاده از فضا به هنگام شب ۵۸/۳ پاسخ مثبت داده‌اند؛ به عبارتی این افراد هنگام حضور در فضاهای مورد بررسی، حتی در شب نیز احساس عدم امنیت نمی‌کنند.

ز) جدول توافقی تشکیل شده بین جرم و خشونت، و احساس امنیت نشان می‌دهد میان افرادی که فضا را کلاً امن می‌دانند و افرادی که فضا را کلاً امن نمی‌دانند، درصد فراوانی اشاره به خشونت به یک میزان است. به عبارتی میزان ترس از وقوع خشونت نقشی در احساس امنیت آنان ندارد.

ح) پراکنش فضایی نقاطی که مردم در آن فضاها احساس امنیت نمی‌کنند، نشان می‌دهد

که پارک دانشجویی، میدان حسن آباد و میدان توپخانه تراکم نقطه‌ای بالاتری نسبت به سایر نقاط دارند و در مرتبه‌ی بعد میدان بهارستان و میدان مولوی قرار دارند. (ط) جدول توافقی تشکیل شده مابین وقوع انواع جرم و خشونت و احساس امنیت نشان می‌دهد برای کسانی که فضا را برای حضور پیاده‌ها کلاً امن نمی‌دانند، خشونت در این میان کمترین درصد در حدود ۴/۲۰ درصد نقش دارد، در حالی که مانند دسترسی پذیری نمادین، تلفیق جرم و جنایت بالاترین درصد را در هر چهار سطح احساس امنیت^۱ به عهده دارد. در هر چهار دسته احساس امنیت، خشونت نقش کمتری نسبت به جرم دارد. مجذور خنثی نشان می‌دهد که تفاوت معناداری میان ۴ سطح احساس امنیت وجود دارد.

نقشه ۴: پراکنش فضایی مکان‌هایی که فاقد امنیت برای پیاده‌ها هستند



۱. همان‌طور که اشاره شد، احساس امنیت در سطح ترتیبی اندازه‌گیری شده است و در چهار سطح زیاد، متوسط، کم و اصلاً تعریف شده است.

ی) ضریب فی، ضریب توافق و V کرامر نشان می‌دهد که همبستگی مابین سطر و ستون‌های جدول توافقی یا به عبارتی مابین احساس امنیت و جرم و خشونت وجود ندارد، زیرا ضریب فی و توافق در حدود ۰/۱ به دست آمده است؛ گرچه میان جرم و خشونت و دسترسی‌پذیری رابطه قوی با ضریب فی ۰/۶ وجود دارد.

۵) نتیجه‌گیری

نتایج حاصل نشان می‌دهد که جرم و خشونت به میزان ۶۶/۷ درصد در کاهش دسترسی‌پذیری نمادین موثرند، ولی در مقام مقایسه مابین تاثیر جرم یا خشونت، جرم نقش قوی‌تری دارد؛ لذا نتایج پژوهش از نظریه جکوبز حمایت نمی‌کند. از سوی دیگر عدم وجود رابطه بین احساس امنیت و جرم و خشونت نشان می‌دهد که جرم و خشونت مانع حضور مردم می‌شود و محدودیت دسترسی‌پذیری در فضای شهری ایجاد می‌کند و همان‌گونه که زوکین و الین بدان اشاره می‌کنند، موجب زوال عرصه عمومی می‌گردد، گرچه احساس امنیت را از بین نمی‌برد. به عبارتی مردم گمان نمی‌کنند که اتفاق ناگواری که امنیت آن‌ها را تهدید خواهد کرد به وقوع بپیوندد، ولی فضای عمومی جذابیت خود را برای جمع آوردن مردم در کنار هم از دست می‌دهد. از این سو است که فضاهایی نظیر ناصر خسرو که از بیشترین پراکنش وقوع جرم در آمار نیروی انتظامی برخوردار است (کلانتری، ۱۳۸۰)، به دلیل حضور فعال مردم و تنوع فعالیت‌ها و دسترسی‌پذیری کالبدی بالایی که دارد، از احساس امنیت مناسبی برخوردار است. لذا نتایج پژوهش از نظریه هیلر حمایت می‌نماید.

در آخر چنین به نظر می‌رسد که احساس ناامنی از جریان‌های اصلی عرصه عمومی مرکز شهر تهران (چنانچه زوکین در مورد شهرهای غربی بدان اشاره می‌کند) نیست، ولی عدم حضور مردم و دسترسی‌پذیری از مسایل عرصه عمومی فوق است.

- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۳). *خشونت خانوادگی - خشونت اجتماعی*، مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران، انتشارات آگه.
- افتخاری، اصغر. (۱۳۸۲). *ساختار اجتماعی امنیت، مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران*، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، جلد اول، معاونت اجتماعی ناجا، تهران، انتشارات گلپونه.
- امیرابراهیمی، مسرت. (۱۳۸۰). نان، الگوهای قدیمی فضایی، پیچیدگی‌های اجتماعی جدید در تهران، همایش موازین توسعه و ضد توسعه فرهنگی - اجتماعی شهر تهران، سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران.
- پرفیت، آلن و همکاران. (۱۳۷۸). *پاسخ‌هایی به خشونت*، گزارش کمیته مامور در امر خشونت و بزهکاری، (ترجمه مرتضی محسنی)، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- حاجیان مطلق، محمود. (۱۳۸۱). *تاملی بر پدیده تکدی و ریشه‌های آن در ایران*، مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، جلد پنجم: روسپیگری، کودکان خیابانی و تکدی، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران، انتشارات آگه.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۳). *انسان‌شناسی شهری*، تهران، نشر نی.
- کرامتی، مهدی. (۱۳۸۴). *بررسی میزان احساس امنیت در بین حاشیه نشینان شهرستان‌های استان تهران*، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، معاونت اجتماعی ناجا، تهران، انتشارات آشنایی.
- کلاترتی، محسن. (۱۳۸۰). *بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران*، رساله دکتری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
- گلدوزیان، ایرج. (۱۳۸۴). *حقوق جزای عمومی ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین و هاشم بیگی، حمید. (۱۳۷۷). *دانشنامه جرم‌شناسی*، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- نوربها، رضا. (۱۳۸۴). *زمینه حقوق جزای عمومی*، تهران، انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- Ardent, Hannah. (1958), **The Human Condition**, Chicago, University of Chicago Press.
- Blakely, E.J. & Snyder, M.G. (1997), **Fortress America: Gated Communities in United States**, Cambridge Brookings Institution Press, Mass.
- Carmona, Matthew.; Heath, Tim.; Oc, Taner.; Tiesdell, Steve. (2003). **Public Places, Urban Spaces**, Oxford, Architectural Press.

- Carr, S.; Francis, Rivlin, L.G.; & Stone, A.M. (1992), **Public Space**, Cambridge University Press.
- Clarke, R.V.G. (1997), **Situational Crime Prevention: Successful Case Studies**, 2nd edition, New York, Harrow & Heston.
- Ellin, N. (1997), **The Architecture of Fear**, London, Princeton Architectural Press.
- Habermas, J. (1984), **The Theory of Communicative Action**, London, Heinemann.
- Habermas, J. (1989), **The Structural Transformation of Public Sphere: An Inquiry into a Category of Bourgeois Society**, Cambridge, Polity Press.
- Hillier, B.(1996), **Cities as Movement Systems**, Urban Design International, 1.
- Hillier, B. (1984), **The Social Logic of Space**, Cambridge, Cambridge University Press.
- Hillier, B.(1982), **National Gallery Schemes Analyzed**, Architectural Journal. V.176 No. 43.
- Hillier, B.(1983), **Space Syntax: A Different Urban Perspective**, Architectural Journal. V.178 No.48.
- Hillier, B.(1989), **The Architecture of the Urban Object**, Ekistics, V. 334.
- Hillier, B. (1996): **Space is the Machine**, Cambridge.
- Jacobs, J. (1965), **The Dead and Life of Great American Cities**, New York, Random House.
- Newman, O. (1973), **Defensible Space: People and Design in the Violent City**, London, Architectural Press.
- Zukin, S. (1995), **The Culture of Cities**, New York, Blackwell Publishers.